

مطالبه گری تشکل های نساجی برای مشارکت بیشتر در نظام حکمرانی

سیاست های دولت جدید در ایجاد وفاق ملی باید معنا کاوی شود. وفاق ملی صرفا به معنی عزل و نصب های سیاسی و جناحی و خویشاوندی برای رضایت جریان های سیاسی نیست، بلکه به منزله ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت مردمی در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری هاست.

اگرچه کشور روزهای تلخ و شیرینی را تجربه کرده و پیشرفت های خوبی داشته، اما متاسفانه تجربیات تلخ از حضور مدیران دولتی در دهه های گذشته کم نبوده است؛ مدیرانی که متاسفانه با سعی و خطا و تجربیات ناموفق و در بسیاری موارد با رابطه یا با جهت گیری های سیاسی پست های مدیریتی بالا را اخذ کرده و به دلیل فقدان تخصص، دانش و تجربه مدیریتی خسارات بسیاری به بار آورده و متاسفانه بدون ارزیابی و پاسخگویی نسبت به عملکرد خود به فعالیت خود در مناصب جدید ادامه داده اند.

این آفت البته تنها مشکل تولید به ویژه بخش نساجی نیست. ناترازی های انرژی و نبود زیرساخت های تولیدی و صنعتی و اقتصادی، شرایط فعلی حاکم را رقم زده و ما را از توسعه پایدار دور کرده است. اما برای ادامه این مسیر به منظور تحول کشور نقش نخبگان و مردم و مشارکت آنها در اداره کشور حیاتی است. اگر مردم و نخبگان و بخش خصوصی در نظام حکمرانی نقش موثرتر و فعال تری داشته باشند و همچون مدیران دولتی که با انواع و اقسام سامانه ها و شیوه ها به دنبال رصد و نظارت و راستی آزمایی عملکرد بخش خصوصی هستند، قادر به ارزیابی، نظارت و مطالبه گری از مدیران ناکارآمد و نالایق بودند، شرایط امروز کشور بسیار بهتر و مناسب تر از این بود.

در بخش نساجی این موضوع عیان است که واردات بی رویه پارچه و تخصیص ارز نیما به واردات پارچه در سال گذشته و شش ماهه ابتدای سال و سخت گیری های بی مورد در تخصیص ارز واردات ماشین آلات و مواد اولیه گویای کم کاری برخی دستگاه ها و عدم توجه مدیران صنعتی به ویژه در وزارت صمت است. به طور خاص، در مقوله محدودسازی ثبت سفارش و تخصیص ارز پرداخت و افزایش ۲۰ درصدی واردات پارچه در شش ماه ابتدای سال کج سلیقه و بعضا ناکارآمدی مدیران عیان است. متاسفانه به رغم وجود قوانین خوبی نظیر قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار جهت مطالبه گری بخش خصوصی، اما نظرات تخصصی و مشورتی تشکل های تخصصی در سیاست ها لحاظ نمی شود.

قطعی های مکرر برق در تابستان گذشته یکی از مواردی است که نشان می دهد به رغم پیگیری بخش خصوصی برای اجرای ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار جهت پرداخت هزینه های ناشی از قطع برق و عدم النفع تولید، کاری در حق بخش خصوصی انجام نشد. در فقره ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی نیز وضعیت همین است. این شکل از محاسبه نرخ ارز در گمرک بسیار دور از واقعیت و عمده ترین دلیل ناکارآمدی نظام تعرفه ای برای حمایت از تولید داخل است. اختلاف نرخ ارز نیما و ارز آزاد و ایجاد رانت برای حمایت از واردات هم دیگر مشکل صنایع داخلی است که بسیار به آن پرداخته شده، اما تغییری در آن حاصل نشده، به شکلی که اختلاف نرخ ارز سبب ایجاد جذابیت در واردات بی رویه شده و در مقابل برای صادرکنندگان به تنبیهی جدی از کانال رفع تعهد تبدیل شده است.

از دیگر مشکلات این بخش می توان به وضع تعرفه برای واردات ماشین آلات خطوط تولید که در شرایط تحریم، خرید و حمل فناوری را دشوار کرده، اشاره کرد. اعمال محدودیت ها در مقاطع زمانی مختلف برای خرید و تامین پنبه مورد نیاز واحدهای ریسندگی در حالی که اصولا خرید پنبه از بازارهای جهانی در شرایط غیر تحریمی هم با دشواری های خاص خود همراه است، از دیگر مشکلات بخش نساجی است.

نگارنده یقین دارد که اگر جذابیت چندنرخ بودن ارز حذف شود، طبیعتا شاهد کاهش بخشی از آمارهای فعلی واردات خواهیم بود و بدون تردید، اصلاح قانون رفع تعهد ارزی آمار صادرات این صنعت را با رشد چند برابری همراه خواهد کرد. خوشبختانه صنعت نساجی به رغم مشکلات کلان اقتصاد کشور در حوزه بانکی و ارزی به مسیر رشد و توسعه و بالندگی خود ادامه داده و بسیار امیدوار است با مطالبه گری بحق خود بتواند جایگاه مناسبی را در منطقه برای خود کسب کند؛ مخصوصا که با بازار بزرگ مصرف کشور و همسایگان روبه روست و این فرصتی بزرگ برای توسعه است. این مهم اما تنها در سایه توجه به نیازهای سرمایه گذاری در بخش تولید پلی اتیلن ترفتالات یا سرمایه گذاری در بخش بافندگی تار و پودی و رنگرزی چاپ و تکمیل زنجیره ارزش بخش پوشاک و کالای خواب قابل اجرا و تحقق است؛ دو بخشی که محصولاتی با ارزش افزوده بالا و با امکان عرضه در بازارهای صادراتی به شمار می روند.

مدیر مسئول